

از : دکتر شهریار نقوی

پارسیان در پاکستان

و تعلیمات زرتشت نه فقط برای پیروانش بلکه برای تمام کسبیکه در زندگی به عظمت اصول اخلاقی و اهمیت افکار روحانی ایمان دارند سرچشمه الهام جاوید انیست . این امر برای گروه پارسیان و به ویژه ایرانیان مایه کمال سربلندیست که آنها در راه تحقق بخشیدن به تعالیم پیشوای خود در مورد زندگی روزمره منتهای کوشش را بخرج داده و آئین کیش خود را در تعالی امور اجتماعی و اقتصادی عملاً بکار بردند پاکستان از هر حیث حق دارد بر جمعیت پارسی اش که در پیشرفت و ترقی آن سهم بسزائی را دارا میباشد مباحثات بوزد .

و احساسات عمیق صمیمیت و وفا و خدمت با صدق و صفا نسبت به هر سرزمینی که پارسیان در آنجا سکن گزیدند نشانه بزرگواری دین و مبین هوشمندی آنان بشمار میرود . اهالی کراچی باید پیاس خدمات بس ارجمندی که بوسیله پارسیان در راه ترقی و تکامل امور اقتصادی آن شهر صورت گرفته بی نهایت مدیون آنان باشند . تعداد زیادی از موسسات امور خیریه که از طرف اشخاص خیر آن ملت و در کراچی بنا شده برای تمام جمعیت آن شهر نعمت بزرگی محسوب میشود . روایات درخشانی که پارسیان در انجام خدمات اجتماعی بوجود آورده اند میتواند سرمشق خوبی جهت کلیه طبقات مردم کراچی و سایر نقاط پاکستان باشد .

این است قسمتی از متن سخنرانی فیلدمارشال ایوب خان رئیس جمهوری پاکستان که بمناسبت جشن تولد زرتشت در هشتم سپتامبر ۱۹۵۹ میلادی خطاب به جوانان زرتشتی در کراچی بوسیله خود معظم له گردید . مقام ارجمند و مرتبت بلند پارسیان در پاکستان که از

لابلای کلمات رئیس جمهور بخوبی پیداست در اینجا در خور توجه ماست و بعلمت اینکه ملت مزبور منتهای علاقه را نسبت بایران دارد و در عرف عام هنوز هم در آنجا ایرانی محسوب میشود سزاوار آنست که در ایران بیشتر از آن معرفی بعمل آید و مطالبی پیرامون سرگذشت و چگونگی وضع افراد آن ملت و خدمات ذی قیمتی که بوسیله دانشمندانش بویژه در زمینه ایران و ایران شناسی بانجام رسیده است در این مسطور مرقوم گردد .

پس از هزیمت یزدگرد سوم در برابر قشون اعراب طومار شاهنشاهی ساسانیان و عتظله زرتشتیان در مرز بوم نیاکانشان درهم پیچید و وضع سیاسی و مذهبی ایران دستخوش تحولات نوینی گردید . بازماندگان جنگ در قبال پیشروی مهماجمین و فاتحین اسلامی پایستادگی برداشتند و جهت جلوگیری از عواقب شوم شکست خود چاره‌هایی اندیشیدند و در صدد برآمدند با تجدید قوا و گردآمدن در محاذهای مختلف جلوی ناپسایمانهای میهن خویش را بگیرند و جبران مافات نمایند ولی هر گونه پافشاری آنان بجائی نرسید و تمام کوششهایی که در راه مقاومت بوسیله آنان صورت گرفت از طرف مسلمانان درهم کوبیده شد و سرانجام اعراب شاهد پیروزی را در سرتاسر ایران باغوش کشیدند و در سرزمین دارا و انوشیروان نیکنام پرچم اسلام باهتر از درآمد .

گسترش سریع مذهب جدید و توسعه سلطه اعراب وضع را برای پروان زرتشت که حاضر به از دست دادن آئین گذشتگان و دین بزرگان نبودند در میهنشان غیر قابل تحمل ساخت و آنها را بمنظور حفظ شعایر مذهبی و نگاهداری سنن ملی بصفحات دور دست کوهستانی قرآن کوچ داد . با اینکه در آنجا نیز ایامشان چندان بکام نگذشت و غبار ناکامی و سیه بختی آفاق روزگاران و حیات آنان را فرا گرفت مع الوصف آنها توانستند در آنجا قریب به صدسال بسر برند و از گزند زمان مصون و بکیش آئین نیاگان پابرجا بمانند . اما ستاره اقبال بیگانگان بازم روی بکمال رفت و بسط حکومت مسلمانان باوج اعتلا رسیده و سرانجام آماجگاه مذکور زرتشتیان را نیز در بر گرفت در نتیجه گروه‌های آنان بدوری از وطن پیشینان و خاک پدران خود تن در دادند و دسته دسته ایران زمین را برای دیار غربت نامعلومی که در آفاق آن ستاره‌ای از امید و آرزو نمی درخشید ترك گفتند .

رشید شهمردان در مورد مهاجرت زرتشتیان از ابران در کتاب فرزنانگان زرتشتی،

صفحه ۴۱ چنین مینکارد :

... و بنا بر این در سال ۱۲۰ یزدگردی از مرکز خویش کهستان واقع در شمال ایران

بسوی جنوب و جزیره هرمز رهپار شدند و پانزده سال در آنجا سکنی گرفتند. چون نفوذ اعراب جزایر خلیج فارس را هم در گرفت پارسیان بار دیگر از آنجا بر کشتی سوار و بادبان برافراشته راه هند به پیش گرفتند. پس از مدت‌ها در ساحل دیب (دیو) واقع در جنوب سند و مغرب کراچی (پاکستان غربی) پیاده شدند. ۱۹ سال در آنجا ماندند. در مقارن همان اوقات نیروی اعراب در خاک سند بنای تاخت و تاز را گذارد. بزرگان پارسی بازمفکر و بفکر چاره افتادند... با مستقر شدن دسته‌های مهاجر پارسی در شبه قاره هند و پاکستان که در حدود ۱۲۰۰ سال پیش با فداکاریهای تحسین آمیز و مجاهدتهای سزاوار تمجید آنان که سرتاسر توأم با تحمل رنجهای فراوان و مشحون از سرگذشتهای خونین هم بود، امکان پذیرفت باب درخشانی در اوراق تاریخ آن سرزمین گشوده شد و تاریخ يك ملت كوچك ولسی صاحب نبوغ و استعداد سرشاری آغاز گردید که بعد از زمان اکبر شاه و جهانگیر شاه، سلاطین بنام تیموریان هندوستان احترام و مقام خاصی بدست آورد و بویژه در دوره سلطنت انگلیسی‌ها مصدر خدمات مهم و شایانی در رشته‌های گوناگون علمی و فرهنگی و اجتماعی بشمار رفت فرزندان برومندان قوم مانند دادا بهائی ناروجی، و سرفیروز شاه مهتا، و سر دینشایدلجی و اچها، و سررتن جمشیدجی و افراد خانواده‌های معروف «تاتا» و «پوتیت» (در صنعت) و جی جی بهائی و افراد فامیل «وادیا» (در امور کارهای خیریه) و «ك. ر. كاما» و دکتر «سرجیون جی جمشید جی مودی» و شمس‌العماء دستور دکتر ایم، این دهالا، و ملا فیروز پسر ملا کاوس (در ادبیات و فرهنگ) سرآمد روزگار و سرچشمه افتخار آن دیار گشتند و در افلاک بلند نامی و علو مقامی دو کشور هند و پاکستان همچو خورشید تابناک درخشیدند و دوام آنان بر جزیره عالم ثبت گردید.

کمک‌های هنگفتی که همواره از طرف افراد نیکو مرام و بلند همت پارسی بمؤسسات امور خیریه و ادارات خدمات اجتماعی شبه قاره اعطاء گردیده و بناهای عامه المنفعه از قبیل بیمارستانها، مدارس و آموزشگاههای علمی و صنعتی، دانشکده‌های فنی، کتابخانه‌ها، تالارهای سخنرانی، پارکهای عمومی و مؤسسات اعطاء کمک هزینه برای محصلین شایسته که در هند و پاکستان و ایران بکوشش و اراده اشخاص بشر دوست قوم مزبور بوجود آمده است و مورد استفاده تعداد زیادی از مردم سه کشور نامبرده بدون قید ملیت و مذهب واقع شده و حسب عبق سپاسگراری را در قلوب کلیه افراد ستوده منش گیتی نسبت به نیکی کردار آنان برانگیخته است گوینده احساسات نوع پروری و بشر دوستی ماتسیت که ایران را کعبه آمال و قبله تمام آرزوهای پسر مودتش میداند و الهام بخش هم میهنان و موجب سربلندی وطن نیاکان خود

(ایران) مییاشد .

طبق بیان سهراب، ك، ه، كاتراك نگارنده كتاب انگلیسی «پارسی‌ها کی اند» چاپ کراچی بسال ۱۹۶۵ میلادی (صفحه ۲۵۲) شش هزار نفر پارسی که برابر بایک سوم جمعیت شان در ایران اند در پاکستان زندگی میکنند . افراد جمعیت مزبور در شهرهای مختلف آنکشور مانند کراچی، چنگانگ، داکا، لاهور و کوتیا بکارهای گوناگون از قبیل استخدام در ادارات دولتی و سرویس در شرکت‌های ملی و خارجی و شغل‌های آزاد مانند پزشکی و مهندسی و تجارت اشتغال می‌ورزند و با کمال آزادی و خرسندی بامور مذهبی می‌پردازند و مطابق آئین و سنن منی خود بسر می‌برند . آنها در آنجا آتشکده‌ها و انجمن‌های متعدد دینی و اجتماعی دارند . بیشتر جمعیت آنان در کراچی متمرکز شده است و بهمین علت تعداد قابل ملاحظه‌ای از مدارس و دانشگاه‌ها از جمله دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه بنام‌های «یائی ویریائی جی سپاریوالاهائی اسکول» و «ماما پارسی‌هائی اسکول» و دانشگاه فنی بنام «نادر شاه ایدلجی دینسا کالج» (این، ای، ای، کالج) که از تاسیسات علمی آنهاست در شهر مزبور با ایهت خاصی بچشم می‌خورد اما کن مهم عامه‌المنفعه مانند «کاتراک‌هال» و هتل‌های بزرگ مثل «میتروپل» و «بیچ لگشری» رانیز در کراچی پارسیان بنا نهاده‌اند .

بنا بر خدمات شایانی که بوسیله پاک نهادان و روشن ضمیران این ملت ایرانی نژاد و ایران پرست در راه بشردوستی در پاکستان (هند) بوقوع پیوسته کلمه پارسی مفهوم صلح و صفا مودت و محبت با ابنای بشر را در بر گرفته و نهایت احترام را در آن شبه قاره بخود جلب نموده است . پیاس خدمات گران ارجیکه بدست برخی از افراد اقلیت کوچک مورد بحث در راه گسترش دانش و فرهنگ و بهبود عموم مردم در پاکستان انجام گرفته است لازم بنظر میرسد معرفی مختصری از آنها در این سطور بعمل آید تا مقام شامخ خدمتگزاران صدیق میهن و دوستان صمیمی ایران که بحد پرستش بسر زهین جم و کی علاقه دارند بیشتر و بهتر شناخته شود .

یکی از بارزترین شخصیت در بین پارسیان پاکستان که در خانواده بی بضاعتی در شهر «سورت» بسال ۱۸۷۵ میلادی پامرصه وجود گذاشت و در زندگی هشتادویک سالگی اش متوالیاً برای پنجاه سال در کراچی با سمت «دستوری» بملت خود صمیمانه خدمات شایانی انجام داد شمس العلماء «دستور دکتر مانگ جی نسرواجی دهالا» بود . او در ضمن بیادگار گذاشتن هفت کتاب مهم وارزنده‌ایکه پیرامون دین و تاریخ زرتشتیان بانگلیسی بطبع رسانیده

مطالب بسیار ذی‌قیمت و سودمند در پیرامون تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران باستان مرقوم داشته و از این راه خدمت بس ارجمند و تحسین‌آمیزی در راه معرفی ایران انجام داده است .

دستوردهالا کودك چهار ساله‌ای بود که همراه پدرش بکراچی آمد و در آن شهر تحصیلات مقدماتی را پیاپی رسانید سپس بعلت هوش سرشار توجه بزرگان قوم مانند کرسنجی رستم جی کاما (دانشمند معروف پارسی) و سررتن جمشیدجی تاتا (صاحب کارخانه معروف ذوب آهن هند) را بخود جلب نمود و آنها او را برای تحصیلات عالی به آمریکا فرستادند . دستوردهالا پس از چهار سال اقامت در آن کشور با بدست آوردن دانشنامه‌های فوق لیسانس و دکترا به میهنش برگشت و از آن پس بعنوان «دستور پارسیان» در شهر کراچی بخدمت قوم و دین زردشتی اشتغال ورزید .

دستوردهالا در نتیجه تماس با راهنمایان و دانشمندان مذاهب دیگر و بنا بمطالعات عمیق و دامنه‌داری که بعمل آورد ، شخص وسیع‌النظری محسوب بوده و درین افراد فرق مختلف احترام خاصی را داشت . با در نظر گرفتن آثار ارجدار وی که شامل اطلاعات ذی‌قیمتی در مورد کیش و فرهنگ باستان ایران میباشد وی یکی از بارزترین و مهمترین ایران‌شناسان شبه قاره هند و پاکستان بشمار میرود . کتاب «پارسیان» که از آثار ارزنده مشارالیه و شامل مطالب بسیار سودمند پیرامون سرگذشت قدیم ایران نیز می‌باشد شاهد بارز این مدعا است .

شادروان جمشید نوسران جی مهتا را که در امور تجارت و صنعت تبجر خاصی داشت و اخیراً در زادگاهش کراچی با عمر طبیعی بدرود حیات گفت همه مردم در هند و پاکستان ، بعلت خدمات تحسین‌آمیز اجتماعی و شخصیت بسیار متین و پر مهرش بعنوان نمونه کاملی از اخلاق ستوده ایرانی میشناختند و باو احترام فوق‌العاده‌ای می‌گذاشتند .

نامبرده در تمام مدت زندگانی‌اش در کراچی که پیش از تقسیم هندوستان پایتخت ایالت سند بود بکارهای خیریه و امور بشر دوستانه پرداخت و در ظرف ده سال که متوالیاً سمت شهردار شهر مزبور را بعهده داشت جهت سروسامان دادن بآن و ساختن کراچی نوین از هیچ‌گونه بذل مجاهدت و مساعدت دریغی نورزید . شادروان بانجام دادن کارهای عام المنفعه در شبه قاره دلبستگی شدیدی داشت و باغلب موسسات خیریه آن سرزمین بهر نحویکه امکان پذیر بود بکمک می‌شتافت .

شادروان جمشید نوسرانجی که مهمترین شخص وقت درین پارسیان پاکستان بشمار

میرفت از نظر ایرانشناسی و ایران دوستی نیز در ردیف ایرانشناسان بارز شبه قاره محسوب بود. وی برای شرکت در اغلب اجتماعات سیاسی و فرهنگی در کراچی و سایر شهرهای بزرگ پاکستان دعوت میشد و حضورش در کنفرانسها و جلسات دولتی و ملی موجب کمال خوشنودی و سر بلندی دعوت کنندگان میشد. او هر جائیکه شرکت میورزید مردم مقدمش را گرامی میداشتند و نامبرده در هر حال و مقام معرف روحی لطیف ایرانی و مبلغ تحکیم و تشدید مناسبات دوستی و مودت بین ایران و پاکستان شناخته میشد.

اسم شادروان کادسنجی هر مزجی کاتراک نیز بعلت کارهای مخیرانه و مفید عوام که بمنظور تأمین رفاه ملت و فراهمی آسایش توده مردم در کراچی و سایر نقاط مهم کشور بوسیله وی صورت گرفته در ردیف اسامی نامداران و خدمتگزاران صدیق آن سامان قرار دارد و در هند و پاکستان با احترام خاصی توأم شده است. تالار بزرگ در کراچی بنام «کاتراک هال» که نقش و نگار درودیوار آن یادآور ایران کهن بوده و نقوش خرابه‌های باستانی ایران را در نظر بیننده مجسم میسازد یادگار شایسته‌ای از اوست. نامبرده مانند سایر بشر دوستان و مخیرپارسی هوسات متعدد امور خیریه را در کراچی بنا نهاده و بر اساس اقدامات سودمند و خیریه‌اش از طرف توده مردم و حکومت سابق که انگلیسی بود مورد ستایش فراوانی قرار گرفته است.

اکنون پسر فرزانه‌اش بنام سهراب - ک - م - کاتراک بواسطه مطالعات عمیقی که در زمینه دین خود و تاریخ و فرهنگ ایران دارد و آثار گرانمایه‌ای که در همین زمینه‌ها با انگلیسی بطبع رسانیده است مورد احترام تمام همشهری‌ها و صاحب نظران جهان میباشد. وی با تهیه کتابی بسیار ارزنده و مفید بنام «پارسی‌ها کی اند» که با انگلیسی و بسال ۱۹۶۵ میلادی در کراچی منتشر ساخته است در راه معرفی تاریخ و فرهنگ و کیش‌های قدیم ایران خدمت بس ارزمندی بایران انجام داده و بر اساس کلیه خدمات بارز و اقدامات تحسین آمیزیکه از پندار و گفتار و کردار نیکش سرچشمه گرفته در بین تمام ایرانشناسان پاکستان و ایران‌دوستان آن کشور مقام بلندی را داراست.